

زن و مشارکت سیاسی در اسلام

طاہرہ جوانمرد

عضو گروہ مطالعات زنان مدرسہ عالی شہیدہ

بنت الہدی (رض)

پروہشکاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شمس کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

چون انسان به طور ذاتی موجودی اجتماعی و از تنهایی گریزان است، حیاتش نیز به مشارکت اجتماعی او وابسته می‌باشد.^۱ بر خلاف مشارکت اجتماعی که بسیار زود در حیات بشر رخ داد، مشارکت سیاسی پدیده‌ای تازه‌تر است؛ زیرا مفاهیم حکومت و ساختار سیاسی در دوران‌های اولیه وجود نداشت. دلیل آن را نیز باید در وفور منابع طبیعی، کمبود جمعیت و نبود مسأله تنازع بقا جست. کشمکش در زمینه‌ی آزادی فرد و قدرت دولت نمایان‌ترین ویژگی تاریخ قدیم است.^۲ در این دوره فاصله اجتماعی میان شهروندان و صاحبان قدرت، بسیار زیادتر از امروز بود. عامه مردم از صحنه رقابت دور بودند و نظرشان اهمیتی نداشت. آنان آنچه را پیش می‌آمد، تحمل می‌کردند و می‌پذیرفتند، ولی در آن مشارکت نداشتند. در غرب نظام فئودالیت سرور حاکم بود، در چنین شرایط دشواری بسیاری از افراد در حکم برده بودند.^۳ در بیشتر دوره‌های تاریخ ایران نیز همین وضعیت حاکم بود. این اوضاع و احوال در غرب تا دوران انقلاب صنعتی و در ایران تا انقلاب مشروطه ادامه داشت. اما در سرزمین‌های اسلامی مهم‌ترین عصر مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی سال‌های صدر اسلام است.^۴



۱. سالکی، حسین، مشارکت، تهران، ناشر، ۱۳۶۹، ص ۲۰.
۲. قاضی‌زاده، کاظم، ولایت فقیه و حکومت در منظر امام خمینی، تهران، نشر کنگره، ۱۳۷۸، ص ۲۲۰-۲۱۸.
۳. علی‌اسدی، افکار عمومی و ارتباطات، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۲، ص ۴۲.
۴. سالکی، حسین، مشارکت، پیشین، ص ۲۲۱.



از آنجا که بعد از سقوط حکومت پهلوی در ایران شکل حکومت ایران از پادشاهی به جمهوری اسلامی تغییر پیدا کرد. و در حکومت جمهوری تمام افراد جامعه یعنی زن و مرد در امر مشارکت سیاسی نقش ایفا می‌کنند. مفاهیمی در حوزه علوم سیاسی و فلسفه سیاسی می‌باشند؛ که از ابعاد مختلف می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند. از جمله می‌توان به بحث مشارکت سیاسی زنان اشاره نمود، که در زمان معاصر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است، در این مقاله به تبیین نظر اسلام در رابطه با مشارکت سیاسی زنان پرداخته شده است. پژوهشگران اسلامی در این رابطه، حول دو محور بحث نموده‌اند:

محور اول: جواز مشارکت سیاسی و فعالیت زنان در این زمینه از دیدگاه شرع مقدس اسلام؛¹

محور دوم: حدود و نحوه مشارکت سیاسی زنان در جامعه اسلامی؛

در این رابطه به مهم‌ترین مصادیق مشارکت که عبارت از:

الف: ولایت و رهبری (تصدی مقام رهبری از سوی زنان)؛

ب: قضاوت (تصدی مشاغل قضایی از سوی زنان)؛

ج: وکالت سیاسی یا نمایندگی در مجلس شورای اسلامی.

در رابطه با بحث ولایت و رهبری زن و همچنین قضاوت زنان، معمولاً پژوهشگران اسلامی هر کدام ضمن بیان آیات و روایاتی، به بیان استدلال خویش،

1. ارسطا، محمد جواد، زن و مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۳۷.

برای تبیین نظر اسلام در رابطه با رهبری و قضاوت زنان پرداخته‌اند، که در نهایت به این نتیجه می‌رسند؛ از نظر اسلام زن نمی‌تواند در مقام ولایت و قضاوت در جامعه قرار گیرد، که به دلیل گستردگی بحث، از آوردن این دلایل و استدلال‌ها خودداری می‌کنیم.

یکی از نویسندگان^۱ با پذیرش اصل عدم مشروعیت ولایت زن از نظر تشیع نتیجه می‌گیرد، عضویت زنان در مجلس و حتی وزارت و استانداری نیز در بر دارنده سلطه و اعمال قدرت در یک گستره عام است. ایشان همچنین طبق چهار دسته روایت در رابطه با اعطای حق رأی به زنان می‌گوید؛ رای دادن زنان نمی‌تواند تعویض حق حکومت باشد، همچنین از مقوله توکیل حق ولایت نیز نمی‌باشد؛ و امکان اعطای حق رأی به زنان در جامعه شیعی طبق نظریه ولایت مطلقه فقیه به عنوان حکم حکومتی قابل توجیه می‌باشد.

با توجه به مقدمات ارایه شده، نویسنده به این سؤال اصلی پاسخ می‌دهد که از نظر مکتب تشیع، زن مجاز است در امر مشارکت سیاسی نقش ایفا کند؛ یا در این امر ممنوعیت دارد و یا مکلف و موظف است که در پدیده‌ی مشارکت سیاسی مؤثر باشد؟ فرضیه مورد پژوهش این است که زن، از نظر مکتب تشیع مجاز است در امر مشارکت سیاسی نقش ایفا کند، اما ممکن است بر حسب مقتضیات زمان و مکان در این امر موظف و مکلف نیز باشد. در راستای این

1. بستان، حسین، «جنسیت در اجتماع»، جزوه درسی، گروه مطالعات زنان جامعه الزهراء (س)، سال ۸۵ - ۸۶، ص ۱۲۳ - ۱۰۵.

پژوهش نخست به بررسی مفاهیم می‌پردازیم، سپس به تبیین آیات و روایات و سیره معصومین خواهیم پرداخت.

کلید واژه‌ها: مشارکت سیاسی، مشارکت سیاسی فعال، مشارکت سیاسی منفعل، تفویض، توکیل، مقتضیات زمان و مکان.

مفاهیم

۱- مشارکت سیاسی (political participation)

مشارکت سیاسی به لحاظ مفهومی پدیده‌ای جدید و مختص به دولت‌های مدرن است؛ هر چند به لحاظ مصداقی نمودهای از آن را در نظام‌های کهن گذشته می‌توان شناسایی کرد.^۱ تعاریف مختلف مشارکت سیاسی بیان‌گر عدم اجماع نظر در مورد تعریف، شاخص‌ها و مؤلفه‌های این پدیده است. در حالی که برخی از پژوهشگران این مفهوم را در دایره رقابت و نفوذ، محدود می‌نمایند. عده‌ای آن را فراتر از نهادهای رسمی دولت بیان می‌کنند.^۲ نقش افراد بر اساس یک مبنا، دو قسمت نقش‌های حمایتی و رقابتی و بر اساس مبنا دیگر، نقش‌های مشارکت مستقیم و غیر مستقیم می‌شوند، همانطور که ممکن است افراد از طریق رأی یا اظهار نظر شخصی در سیاست جامعه و تصمیم‌سازی سیاسی مشارکت مستقیم داشته باشند، همچنین می‌توانند خواسته‌ها و نفوذ خود را به واسطه

۱. ارسطو، سیاست، ترجمه حمید، عنایت، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۵.

۲. سجادی، سید، عبدالقیوم، «مبانی فقهی مشارکت سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره هشتم، بهار ۱۳۷۹، ص ۷۳.



نهادهای ساختاری جامعه مدنی؛ احزاب سیاسی، گروه‌های صنفی، گروه‌های فشار، هیأت‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی نیز اعمال کنند. این نهادهای واسطه‌ای فقط نقش تسهیل، طیف‌بندی و انسجام افراد ملت را به عهده دارند.^۱ با توجه به آنچه گفته شد نمی‌توان در جوامع مصادیق یکسانی را برای مشارکت سیاسی بیان نمود؛ زیرا ریشه و مبانی مشارکت سیاسی در افراد و جوامع مختلف، از گونه‌های متفاوتی برخوردار می‌باشند. به همان سان که دامنه مشارکت سیاسی جوامع در لایه‌های شدید، متوسط و ضعیف جای می‌گیرد، سهم هر یک از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان نیز متفاوت خواهد بود. در بررسی این عوامل، از فاکتورهای متعدد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی می‌توان یاد کرد. این عوامل معمولاً در محورهایی، همانند وضعیت اقتصادی، سیستم سیاسی، فرهنگ سیاسی، آداب و رسوم و باورهای مذهبی جمع‌بندی می‌گردد.^۲

با توجه به اینکه اجماع خاصی برای تعریف مشارکت سیاسی وجود ندارد و مصادیق مشارکت سیاسی نیز صبغه فرهنگی دارد؛ از طرف دیگر مبنای یکسانی برای حضور در امر مشارکت سیاسی وجود ندارد، می‌توان گفت مشارکت سیاسی زنان در جامعه اسلامی نیز امری است فرهنگی و عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، آداب و رسوم و باورهای مذهبی در آن مؤثر می‌باشد.

1. «گفتگوی تنی چند از اساتید، درباره جامعه مدنی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۷ - ۱۱۸، ص ۵۴.

2. Robert E.Dows, Political Socioligy, London, 1986,p 296.

اگر چه تعاریف متعددی برای مشارکت سیاسی وجود دارد، اما در این پژوهش به تعریفی اشاره می‌شود، که بتواند هرگونه فعالیت را برای زنان از قبیل امر به معروف و نهی از منکر مسئولین یا اهتمام ورزیدن به امور مسلمان را در برگیرد؛ یعنی توجیه کننده فعالیت در سطوح مختلف در نظام سیاسی باشد. بنابراین، منظور از مشارکت سیاسی در این مقاله عبارتند از: «مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی، تأثیر گذاشتن بر صورتبندی و هدایت سیاست دولت»^۱.

۲ - مقتضیات زمان و مکان

زمان که دائماً در حال گذشتن و آمدن است، در هر قطعه‌ای اقتضایی دارد؛ در هر لحظه‌ایی، در هر وقتی و در هر قرنی و هر چند سالی تقاضایی دارد. به عبارت دیگر: زمان تقاضاهای مختلف دارد، شهید مطهری می‌فرماید: این معنا می‌تواند دو تفسیر داشته باشد، که هر دو غلط است.

تفسیر اول؛ یعنی در هر زمانی هر چه که پیدا شد چون پدیده قرن است باید تابع آن باشیم، که غلط است؛ زیرا در هر زمانی ما می‌توانیم هر مصلح و مرتجع داشته باشیم پس پدیده‌ی زمان می‌تواند دو حالت داشته باشد، یکی حالت پیشرفتگی و دیگری حالت انحطاط، پس این مطلب درست نیست که باید با زمان هماهنگی کرد.

۱. آقا بخشی، علی، مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارك علمي ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۳۰۰.



یک تفسیر برای مقتضیات زمان می‌شود و آن اینکه تقاضای زمان به معنای آن نیست که احتیاجات واقعی در (طول) زمان تغییر می‌کند، آن وقت احتیاجی که بشر در هر زمان دارد یک نوع تقاضا می‌کند، محور فعالیت بشر احتیاج است و انسان عملاً اجبار دارد که به دنبال احتیاجات برود، از احتیاجات پیروی بکند، اگر پیروی نکند زمان حدش می‌زند. یک سلسله از احتیاجات بشر است که ثابت و لایتغیر است، انسان برای تأمین همین احتیاجات به یک سلسله ابزار و وسایل نیاز دارد. وسایل در هر عصر و زمانی فرق می‌کند، چون وسایل در ابتکار خود بشر است. دین به وسیله (البته مشروع) کاری ندارد، دین هدف را معین می‌کند و راه رسیدن به هدف را، اما تعیین وسیله تأمین احتیاجات در قلمرو عقل است. هیچ احتیاج واقعی ای نیست که اسلام جلو آن را گرفته باشد. شهید مطهری می‌گوید، تقاضای زمان را با پسند مردم و پدیده قرن اشتباه نکنید. حاجت‌های اولی بشر ثابت است، حاجت‌های ثانوی یعنی حاجت‌هایی که انسان را به حاجت‌های اولی می‌رساند، متغیر است.¹

اکنون با توجه به موضوع مقاله که تبیین جایگاه زن در پدیده مشارکت سیاسی از دیدگاه اسلام می‌باشد. می‌خواهیم به این مسئله پردازیم که آیا در عمل به تمامی احکام شرعی و قوانین اسلامی باید بر طبق مقتضیات زمان و مکان عمل نمود یا خیر؟ و از نظر شیعه موارد عمل بر طبق مقتضیات زمان و مکان کدام است؟

1. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان (۱)، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹، صص ۱۹۷ - ۱۸۳.



شناخت دین، ارتباطی تنگاتنگ با شناخت صحیح از انسان دارد، دین که از بدو آفرینش انسان برای راهنمایی و به تکامل رساندن وی پدید آمده است، با خواسته‌ای ثابت و سیال فطری و روحی انسان، هماهنگ بوده است. دیدگاه مورد پذیرش در شناخت انسان، دیدگاه وحی است که انسان را موجودی ثابت و سیال معرفی می‌کند. نوع انسان، از نظر فطرت همگون و یکسان بهره‌مند است و به همین لحاظ از نیازها و خواسته‌های ثابت برخوردار است و یک نوع معارف را طالب است. همانگونه که فطرت انسان اولی، خواهان توحید و شناخت مبدأ و معاد و ارتباط با خدا آفریده شده، همین ویژگی در انسان امروزه و انسان آینده وجود دارد. انسان با حفظ اصول ثابت در عین حال، از روحيات متحول زندگي دستخوش تغيير برخوردار بوده است.

برهه‌ای بر انسان گذشته که به صورت یکسان و پراکنده زندگی می‌کرده و آنگاه در اثر اجتماعی شدن، زندگی او رو به تغییر و تکامل گذاشته است. از زمان اجتماعی شدن انسان، نیاز او به شریعت و مجموعه قوانین مدون مطرح می‌شود. شرایع، در بر دارنده دو نوع اصول، معارف و احکام هستند. اصول احکام ثابت و غیر قابل تغییر، اصول و احکام متغیر که مشمول مرور زمان می‌گردد.

چون زندگی انسان همواره در حال تغییر است. آن شریعتی می‌تواند عهده‌دار مدیریت جامعه در ابعاد گوناگون باشد که بتواند به نیازهای ناشی از تحولات جامعه پاسخ دهد. خاتمیت یک شریعت هم در صورتی صحیح است که در عین حال که اصول ثابت را مطرح می‌کند از نوعی انعطاف پذیری برخوردار باشد که در تمام اعصار بتواند به نیازهای جامعه پاسخ دهد.

در طول تاریخ بشر یگانه قانونگذار حقیقی برای انسان، خدای سبحان بوده است و پیامبر فقط نقش واسطه ایفا می‌کند. هیچ پیامبری خود، قانونگذار و شارع

نبوده است. و در هیچ زمانی حق «قانونگذاری» به کسی تفویض نشده است؛ «ان هو الا وحی یوحی»^۱ و «ان الحکم الا الله»،^۲ اصلی است فراگیر که تخصیص و تقیید در آن راه ندارد بدین ترتیب اجتهاد وضع قانون نیست و مجتهد شارع نمی‌باشد پویایی فقه و حل مسایل جدید، با دخالت عقل امکان پذیر نیست. از این رو، مسئولیت متولی دین و اجتهاد در این راستا قرار می‌گیرد که کشف نموده و تبیین کند که چگونه دین ثابت، جامعه متحول را مدیریت می‌کند، اما تحولات اجتماعی و دگرگونی‌هایی که با این سرعت پدید می‌آید نمی‌تواند ناشی از اختلاف زمان و مکان باشد.

آنچه در حال تغییر است، فرهنگ و نفوس است و آنچه باعث پدید آمدن تحولات اجتماعی و مطرح شدن نیازهای جدید می‌شود، فرهنگ متحول انسانهاست، فرهنگ و نفوس انسانهاست که با کشف حقایق عالم، چنین تغییرات شگرفی را در زمینه‌های ارتباطات، صنعت، تکنیک، هنر، بهداشت، و درمان و غیره آن پدید آمده است، همین نکته تأثیر اساسی را در ابعاد گوناگون اجتهاد دارد نه حقایق موجود در نظام تکوین.

با توجه به آنچه که گفته شد دو محور برای احکام شرعی می‌توان تبیین نمود:

۱) معیارهای ثابت ۲) معیارهای انعطاف پذیر

الف - معیارهای ثابت: در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی، اصول ثابتی وجود دارد که مشمول مرور زمان، یا به تعبیر دقیق‌تر، مشمول تحولات و تغییرات

1. النجم: ۴.

2. انعام: ۵۷.

اجتماعی نمی‌شود، مثلاً در بعد اجتماعی «عدالت»، «تعاون» و اصول دیگر اصول ثابت و غیر قابل تغییر هستند که قوام اجتماع بر آن استوار است. قرآن در سوره مائده آیه هشتاد بر پایدار بودن این اصول تأکید دارد. بنابراین در معیارها ثابت نیازی به تحول و تغییر نیست و هیچگاه تغییر نمی‌کنند.

ب - معیارهای انعطاف‌پذیر: این معیارها دین را انعطاف‌پذیر نموده و باعث می‌شود که در هر شرایط زمانی و مکانی قادر به مدیریت جامعه متحول و متغیر باشد که این محورها را فقط نام می‌بریم:

- ۱ - تغییر موضوعات احکام؛ ۲ - تغییر ارزش‌ها یا تغییر اهمیت موضوع؛
- ۳ - عرفی بودن موضوع حکم؛ ۴ - کلی بودن قواعد؛ ۵ - حالات مکلف؛
- ۶ - احکام ولایتی و حکومتی؛ ۷ - اولویت در امثال؛ ۸ - جهت صدور نصوص (قضیه خارجی یا حقیقیه و حکم کلی)؛ ۹ - تفاوت در برداشت‌ها.

همانگونه که گفته شد احکام ثابت اولی و احکام ثانوی که احکام و اصول ثابت تغییر ناپذیرند، حلال و حرام احکام تا روز قیامت تغییر ناپذیر و به استثنای زمان اضطرار مقتضیات زمان و مکان نمی‌تواند تغییری در آنها ایجاد نماید، اما احکام ثانویه که موارد نه‌گانه آن بیان شد باعث انعطاف‌پذیری دین می‌شود. در این قسم از احکام شرعی یعنی احکام ثانویه است، که باید عنصر مصلحت را در نظر گرفت و بر طبق مقتضیات زمان و مکان به آنها عمل نمود.^۱

۱. احمدی، حبیب‌الله، پویایی فقه اسلام، گروهی از نویسندگان، اجتهاد و زمان و مکان، جلد اول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴، صص ۷۰ - ۵۰.



حال با توجه به مباحث مطرح شده، می‌خواهیم به بررسی مشارکت سیاسی زن مسلمان از دیدگاه اسلام بپردازیم:

۱ - بررسی مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه آیات

در این قسمت به بررسی جواز مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه آیات می‌پردازیم.

الف - امر به معروف و نهی از منکر تبلور مشارکت همگانی: آیه ۷۱ سوره توبه می‌فرماید: «المؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعضی یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر؛ مؤمنان و مؤمنات، بعضی از آنها بر بعضی دیگر ولایت دارند تا به امر معروف و نهی از منکر بپردازند».

معنای لغوی واژه معروف، پسندیده، شناخته شده، معلوم و خوب است. اهل منکر را به بد، ناپسند و عمل زشت تعبیر کرده‌اند. فقها در تعریف فقهی و اصطلاحی این دو واژه می‌گویند: «معروف، هر کار خوب و پسندیده‌ای است که شارع از آن به نیکی یاد کرده و فاعل آن به خوبی و نیکی آن عمل آگاه است. منکر هر کار زشت و ناپسندی است که فاعل آن زشتی و قباحت آن را شناخته و یا به آن، ارشاد و راهنمایی شده است»^۱.

امر به معروف و نهی از منکر اساس و شالوده اجرای همه احکام و دستورات دین اسلام است؛ زیرا بدون این وظیفه جمعی همه احکام معطل می‌ماند. این مسئولیت به نهاد گروه یا افراد خاصی اختصاص ندارد بلکه به

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۵۱.



صراحت بر عهده همه زنان و مردان مسلمان که واجد شرایط آن هستند، نهاده شده است. آشکار است یکی از مهم‌ترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر، امور سیاسی و اجتماعی است. یعنی معروف و منکر سیاسی و اجتماعی با توجه به این مطلب که گفته شد، مشارکت سیاسی صبغه فرهنگی دارد. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر از نظر اسلام از مصادیق مشارکت سیاسی به شمار می‌رود و جواز انجام آن برای زنان از سوی قرآن پذیرفته شده است.

ب - آیه دوازدهم سوره ی ممتحنه؛ «یا ایها النبى اذا جاءک المومنات بیایعنک علی...^۱ ای پیغمبر! چون زنان مومن آیند که با تو بیعت کنند، که دیگر هر گز شرک به خدا نیاورند و سرقت و زنا نکنند...».

علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌گوید: «این آیه شریفه حکم بیعت زنان مؤمن با رسول خدا(ص) را معین می‌کند. و در آن اموری را برای آنها شرط کرده که بعضی مشترک بین زنان و مردان، مانند شرک نوزیدن و نافرمانی نکردن از رسول خدا(ص) در کارهای نیک، و بعضی دیگر ارتباطشان با زنان بیشتر است».^۲ به نظر می‌رسد بیعت زن مسلمان با رئیس حکومت اسلامی از مصادیق مشارکت سیاسی است که در این آیه این بیعت با شرط عدم ارتکاب بعضی از جرایم اجتماعی برای زن پذیرفته شده است. پس جواز مشارکت سیاسی نیز طبق این آیه برای زن پذیرفته شده است.

۱. ممتحنه: ۱۲.

۲. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، ص ۴۱۱.



۲- بررسی مشارکت سیاسی زن از دیدگاه روایات

حدیث شریف رسول اکرم (ص) که فرمود: «من اصبح وامسى و لم یهتم بامور المسلمین فلیس منهم»^۱ کسی که صبح و شام کند و به امر مسلمانان اهتمام نرزد، از آنان نیست». امور مسلمانان، بدون شک شامل امور سیاسی آنان می‌شود. همچنین حدیث پیامبر (ص) زنان را هم در بر می‌گیرد چه اینکه فرمود: «من اصبح وامسى». کسی که صبح و شام کند؛ نفرمود مردی که صبح و شام نماید. بنابراین، نه تنها زن و مرد مسلمان می‌توانند نسبت به امور سیاسی یکدیگر توجه و اهتمام داشته باشد بلکه بر آنان الزام است که چنین باشند؛ زیرا در غیر این صورت از زمره مسلمانان محسوب نخواهد شد.^۲ به این ترتیب از نظر روایت، جواز مشارکت سیاسی زنان برای اهتمام ورزیدن به امور مسلمانان پذیرفته شده است.

۳- بررسی جواز مشارکت سیاسی زن از سیره معصومین (ع)

با نگاهی گذرا به صفحات تاریخ اسلام به نمونه‌های زیادی از حضور سیاسی زنان بر می‌خوریم که زمینه هر گونه شبهه‌ای را در این خصوص از میان می‌برد، از جمله زنان مسلمان صدر اسلام در چند مورد با پیامبر گرامی (ص) بیعت نموده‌اند. هر چند نمی‌توان برای تمام این بیعت‌ها ماهیت سیاسی قایل شد، اما دست کم برخی از آنها اقدام سیاسی بوده است، از جمله پیش از هجرت پیامبر (ص) به مدینه تعدادی از تازه مسلمانان این شهر در مکه با آن حضرت به

1. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

2. ارسطا، محمد جواد، زن و مشارکت سیاسی، پیشین، ص ۱۳۹.



طور مخفیانه بیعت کردند که به بیعت عقبه ثانیه شهرت یافت. این گروه از مسلمانان که متشکل از هفتاد چند نفر بود و دو زن به نام‌های نسیبه و اسماء در میان آنان حضور داشتند،^۱ بر اسلام و دفاع از جان پیامبر(ص) بیعت نمودند.^۲ و مورد دیگر بیعت آن حضرت با زنان مسلمان در جریان صلح حدیبیه در سال ششم هجری است.^۳ همچنین از میان زنان متعددی که در صدر اسلام به فعالیت‌های سیاسی می‌پرداختند، می‌توان به سوده زنی از پیروان حضرت علی(ع) اشاره نمود که بنا به گفته خود روزی در عهد فرمانداری امیرالمؤمنین(ع) برای شکایت از کارگزار آن حضرت به نزد وی آمد در حالیکه امیرالمؤمنین(ع) مشغول نماز بود. چون متوجه حضور سوده شد، نماز خود را سریع‌تر به پایان رسانید و از او حاجتش را جویا شد. سوده عرضه داشت که کارگزار شما بر ما ستم می‌کند و وظایف خود را در قبال مردم به درستی انجام نمی‌دهد، اشک در چشمان علی(ع) حلقه زد، رو به آسمان نمود و عرض کرد: خدایا تو می‌دانی که من به او دستور ظلم و ستم نداده‌ام. سپس بی‌درنگ نامه‌ای نوشت و در آن به کارگزار خود دستور داد که تا آمدن فرماندار بعدی کارها را بر عهده داشته باشد و پس از آمدن او، کارها را به وی بسپارد و خود راهی کوفه شود. امام علی(ع) نامه را مهر موم نکرد و بدون تشریفات به دست سوده داد تا به کارگزار مزبور بسپارد.^۴

1. ابن کثیر، البداية و النهاية، ج 3، ص 195.

2. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج 2، ص 291.

3. سبحانی، جعفر، تاریخ اسلام، چاپ سیزدهم، قم، 1381، ص 245.

4. ارسطو، محمد جواد، زن و مشارکت سیاسی، پیشین، ص 139.

چنانکه می‌بینیم در این قضیه، سوده که زنی همچون دیگر زنان مسلمان است به نمایندگی از سوی گروهی از مردم، به مداخله در یکی از مهم‌ترین امور سیاسی که عزل و نصب فرماندار یک منطقه است، می‌پردازد و حضرت علی(ع) نیز به او اعتراض نمی‌کند که چرا تو چنین کاری را به عهده گرفتی و آیا مردی پیدا نشد که به جای تو برای انجام این کار اقدام کند. بلکه حضرت با تقریر خود بر کار سوده مهر تأیید می‌زند و علاوه بر آن مسئولیتی دیگر نیز بر دوش می‌گذارد؛ یعنی مسئولیت رساندن نامه خلیفه بر حق مسلمین به کارگزار خطاکار، با اینکه حضرت به راحتی می‌توانست این وظیفه را بر دوش مردی از مردانش بگذارد.^۱

با تدبیر و تأمل در آیات، روایات و همچنین سیره معصومین(ع) می‌توان گفت جواز مشارکت سیاسی برای زنان در تمام زمان‌ها از نظر تشیع پذیرفته شده است و زن مجاز می‌باشد در اجتماع مشارکت سیاسی داشته باشد، اما اینکه مصادیق مشارکت سیاسی زنان کدام است و سطوح مختلف مشارکت سیاسی زنان یعنی، مشارکت فعال، ضعیف و غیر فعال چیست، بستگی به فرهنگ و تحولات ناشی از آن دارد و به تناسب تغییر در فرهنگ و شرایط زمانی و مکانی، مصادیق مشارکت و سطح مشارکت سیاسی زنان تغییر می‌کند. به گونه‌ای که در یک زمان ممکن است، هجرت و یا بیعت نمودن برای زن از مصادیق مشارکت به حساب آید و در زمان دیگر رأی دادن و شرکت در راهپیمایی مصادیق مشارکت سیاسی زن مسلمان باشد. در رابطه با سطح مشارکت سیاسی یعنی، فعال بودن یا غیر فعال

1. همان، ص ۱۴۰.



بودن زن در امر مشارکت نیز نقش مقتضیات زمان و مکان مهم دانسته شده است؛ زیرا با تغییر در فرهنگ سیاسی جامعه اسلامی، دین اسلام این اجازه را به زنان و مردان داده که متناسب با آن تغییرات به وظیفه سیاسی خود عمل نمایند. با توجه به آنچه که در بحث مقتضیات زمان و مکان گفته شد بحث مشارکت سیاسی زنان می‌تواند از جمله احکام ثانوی باشد که با یکی از محورهای نه گانه قابل توجیه است؛ یعنی سطح مشارکت سیاسی زنان مصادیق مشارکت سیاسی زنان می‌تواند تابع مقتضیات زمان و مکان باشد و در یک برهه زمانی مشارکت زن، مشارکتی منفعل و ضعیف باشد و در یک برهه زمانی دیگر مشارکت فعال برای زن، وظیفه و حتی واجب باشد که چنین تبیینی برای مشارکت سیاسی زنان فقط در چارچوب دین اسلام قابل تفسیر است؛ زیرا مشارکت سیاسی صبغه فرهنگی دارد. حال برای تأیید این موضوع به نمونه‌هایی از سیره حضرت زهرا(س)، حضرت زینب(س) و حضرت معصومه(س) اشاره می‌کنیم.

الف - سیره ی حضرت زهرا(س)

حضرت زهرا(س) از اصحاب کساء^۱ و از افرادی می‌باشد که در مقام عزیزترین و گرامی‌ترین زن در جریان مباحله^۲ شرکت کرد و در سخت‌ترین زمان به مدینه هجرت نمود و از کسانی است که آیه تطهیر درباره آنان فرود آمده است^۳

1. عسگری، سید مرتضی، حدیث کساء در کتب معتبر اهل سنت.

2. تفسیر قمی، ۱ / ۱۰۴ ط نجف اشرف؛ غایة المرام / ۳۰۰؛ اسباب النزول / ۵۸.

3. مستدرک الصحیحین ۳ / ۱۴۷ - ۱۴۸؛ صحیح مسلم ۷ / ۱۳۰.

و جبرئیل افتخار نمود^۱ از آنان باشد، ایشان در تقسیم کار بین خود و همسرش از اینکه کار داخل خانه به او واگذار شده بسیار مسرور می‌شود در کتاب «قرب الانساد»، از امام صادق(ع) روایت شده که امام باقر(ع) فرمود: «حضرت علی(ع) و حضرت زهرا(س) از رسول خدا(ص) تقاضا نمودند که درباره خدمات خانه میانشان داوری نماید (برای آنها تقسیم کار نماید). پیامبر(ص) انجام کار داخل خانه (آسیاب کردن و آشپزی و جاروب کردن و...) را به فاطمه واگذار نمود و کار بیرون از خانه را بر عهده علی(ع) قرار داد. (پس از این تقسیم کار) فاطمه(س) فرمود: از اینکه پیامبر(ص) شکیبایی بر زحمت خانه مردان را بر عهده من گذاشت (و مرا از مواجهه با نامحرمان و روبرو شدن با آنها معاف نمود) به اندازه‌ای خوشحال و مسرور شدم که کسی جز خدای تعالی آن را نمی‌داند»^۲.

با توجه به این روایت، حضرت زهرا(س) در تقسیم کار، حضور در خانه و انجام کارهای خانه را می‌پذیرد و دلیل آن را عدم روبرو شدن با نامحرم می‌داند و خوشحالی بسیار ایشان از این موضوع را، می‌توان به منزله اهمیت ایشان به عدم ارتباط با نامحرم ذکر نمود. اما چه عاملی سبب می‌شود که ایشان با عمر و ابوبکر صحبت کند، در مسجد به ایراد خطبه پردازد و به در خانه انصار رفته و از آنها استمداد بخواهد. مهم‌ترین عامل در تغییر رفتار سیاسی و مشارکت سیاسی ایشان، تغییر فرهنگ سیاسی مردم بود. به گونه‌ای که مردم، اسلام ناب محمدی(ص) را نتوانستند، بشناسند. بنابراین، حضرت زهرا(س) برای هدایت آنها در مسیر

۱. ابن شهر آشوب، مناقب، ۳/ ۳۵۹ عنه بحار ۴۳/ ۴۹.

۲. قمی، شیخ عباس، بیت الاحزان، ترجمه ولی فاطمی، چاپ اول، تهران، نشر طلا، ۱۳۷۷، ص ۳۵.



مستقیم، مشارکت فعال نمود. اما افسوس که حب قدرت و ثروت ستمگران مانع شد، تا آن حضرت به اهداف متعالی‌اش برسد. برای نمونه می‌توان به اوضاع مسلمانان در زمان رحلت پیامبر(ص) اشاره نمود که کشمکش قدرت مانع شده بود که حتی مهاجرین و انصار بدن پیامبر(ص) را دفن کنند و تا دو روز جنازه پیامبر(ص) دفن نشد. در چنین وضعیتی حضرت زهرا(س) نمی‌توانست در منزل بماند و سکوت اختیار کند. شیخ مفید در کتاب ارشاد فرمود: «به خاطر کشمکش مهاجرین و انصار درباره خلافت، بیشتر مردم در دفن پیکر پاک رسول خدا(ص) حاضر نشدند و بسیاری از آنها از خواندن نماز بر بدن مبارک آن حضرت باز ماندند».

به این ترتیب حضرت زهرا(س) با طرفداری از ولایت حضرت علی(ع) در سیاست جامعه و تصمیم‌سازی سیاسی مشارکت مستقیم داشت و حتی برای تصمیم‌سازی سیاسی درست و آگاه نمودن مردم و مسئولین و هدایت درست سیاسی همراه با حضرت علی(ع) مستقیماً به خانه انصار می‌رفت و این مشارکت مستقیم و فعال ایشان مورد تأیید حضرت علی(ع) می‌باشد که همراهی حضرت علی(ع) خود تأییدی است بر رفتار سیاسی حضرت زهرا(س).

ب- سیره حضرت زینب(س) (س)

حضرت زینب(س) در مقطعی از زمان به گونه‌ای عمل می‌نمود که هیچ‌یک از همسایگان چهره ایشان را ندیده بود، حضرت زینب(س) در حفظ حریم حجاب و عفاف خود، یگانه بود، به طوری که احدی از مردان نامحرم، در عصر

پدر و برادرانش تا روز عاشورا او را ندیده بودند.^۱ از یحیی مازنی نقل شده است: «من در مدینه بودم و مدت طولانی در همسایگی حضرت علی(ع) می‌زیستم، سوگند به خدا در این مدت هرگز زینب(س) را ندیدم و صدایش را نشنیدم».^۲ هر گاه حضرت زینب(س) می‌خواست برای زیارت قبر جد بزرگوارش برود، حسنین علیهم السلام- ایشان را همراهی می‌نمودند و به دستور علی(ع) چراغ کنار قبر را خاموش می‌کردند، سپس همراه برادرانش به خانه باز می‌گشت. وقتی امام حسن(ع) علت این کار را از پدرش پرسید، حضرت علی(ع) در پاسخ فرمود: «از این رو که نمی‌خواهم چشم کسی به قامت خواهرت بیفتد».^۳

با این حال حضرت زینب(س) با تغییر اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی، با درک و شناخت آگاهانه از این اوضاع، متناسب با شرایط آن زمان به موضع‌گیری می‌پردازد. از جمله می‌توان به گفتگوی زینب(س) با عمر سعد در کنار قتلگاه،^۴ درگیری شدید ایشان با شمر،^۵ ایراد سخنرانی در دیدار با مردم کوفه،^۶ درگیری شدید ایشان با یزید در مجلس یزید^۷ و خطبه سرکوبگرش در این

1. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۹.
2. اشتها ردي، محمد محمدی، زینب(س) فروغ تابان کوثر، چاپ تهران، انتشارات برهان، ص ۹۹.
3. نقدي، شیخ جعفر، حیات زینب الکبری، ص ۲۲.
4. مقرر، مقتل الحسين، ص ۳۴۷ - ۳۴۶.
5. الطراز المذهب (ناسخ التواریخ، حضرت زینب(س))، صص ۵۶۸ - ۵۶۷.
6. طبرسي، احتجاج، ج ۱، ص ۳۰ - ۲۹؛ بحار، ج ۴۵، ص ۱۰۹ - ۱۰۸.
7. اعلام الوری، ص ۲۴۹.

مجلس^۱، افشاگری ایشان در همه جا با عنوان سوگواری^۲ و عزاداری در مدینه^۳ می‌توان اشاره کرد که این موارد فقط بخشی از مشارکت فعال ایشان در نهضت عاشورا می‌باشد. حضرت زینب(س) با ایراد خطبه‌ای رو در رو با یزید سخن می‌گوید و کسانی که در آن مجلس حضور داشتند را مخاطب قرار می‌دهد:

«ای یزید تو می‌پنداری که چون اطراف زمین و آفاق آسمان را بر ما بستنی و راه چاره را بر ما مسدود نمودی، تا ما را همانند برده به هر سو کشانند، ما نزد خدا خوار هستیم و تو نزد او گرامی؟ و این چیره شدن تو بر ما بیانگر شکوه آبروی تو در پیشگاه خدا است. از این رو، بینی بالا کشیدی و تکبر نمودی و به خود بالیدی، خرم و شادان شدی که دنیا در چنبر کمند تو بسته و کارهای تو آراسته شده است و ملک و مقام و رهبری ما برای تو صاف و هموار گشته‌اند.

ای پسر کسانی که جدمان (پیامبر(ص)) در فتح مکه اسیرشان کرد و سپس آزاد نمود، آیا از عدالت است که تو زنان و کنیزان خود را پشت پرده بنشانی و دختران رسول خدا(ص) را به صورت اسیر به این سو آن سو بکشانی، پرده آنان را بدری و روی آنان را بگشایی تا دشمنان آنان را از شهری به شهری ببرند و بومی و غریب چشم به آنها دوزند و نزدیک و دور، شریف و پست چهره آنها را بنگرد، از مردان آنان نه پرستاری مانده است و نه یآوری و نه نگهدار و کمک کننده‌ای.

1. بحار، ج ۴۵، ص ۱۳۵ - ۱۳۳؛ لهوف ص ۱۸۱.

2. الدمعة الساکبه، طبق نقل معالی السبطين، ج ۲، صص ۱۹۸ - ۱۹۷.

3. عبیدلی، اخبار زینبیات، ص ۱۴؛ الخصاص الزینبیه ص ۲۹۸.



گرچه پیش آمده‌های ناگوار روزگار، مرا به سخن گفتن با تو کشانده، ولی در عین حال ارزش تو از نظر من ناچیز و سرزنشت بزرگ و ملامتت بسیار است.»
 به این ترتیب، حضرت زینب(س) بر حسب مقتضیات زمان و مکان، وظیفه داشت در قیام عاشورا نقشی فعال و همه جانبه داشته باشد. پس ایشان با توجه به اینکه زن از نظر تشیع، جواز مشارکت سیاسی دارد به مشارکت سیاسی در نهضت عاشورا می پردازد.

ج - سیره حضرت معصومه(س)

یکی از شیوه‌های اعتراض علویان به حکومت وقت، مهاجرت بود. با روند افزایش اذیت و آزار شیعیان، به ویژه خاندان اهل بیت(ع) و فرزندان آنها، تبلیغات منفی حکومت علیه این خاندان، دست‌گیری و شکنجه و تبعید و زندانی کردن محبان اهل بیت و غارت اموال و دارایی‌های متمولان شیعه، آنان را وادار کرد برای رهایی از وضعیت موجود، از سرزمین مادری خویش هجرت کند.^۱
 هجرت در حرکت شیعه عبارت است از: ترک وطن به واسطه فشار و آزار حکومت وقت برای ادای دین. هجرت و هجرت‌گزینی علل و عوامل گوناگونی دارد، ولی یکی از مهم‌ترین آنها، این است که اشخاصی که هجرت می‌کنند، شرایط و امکانات و مقتضیات زمانی و مکانی خویش را به گونه‌ای می‌بینند که هدف و مقصد آنها را تأمین نمی‌کند. از این رو، با احساس مسئولیت و تکلیف که نسبت به وضع موجود و تغییر آن دارند، هجرت را بر می‌گزینند.

۱. محمد بن بابویه، عیون اخبار الرضا(ع)، ترجمه حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۳۴ - ۲۳۳.



علل بسیاری درباره هجرت حضرت معصومه(س) از مدینه به قم وجود دارد که در مجموع می‌توان استنباط کرد که با توجه به اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه آن زمان، همراه با برادران خویش، هجرت را برگزید. علاقه حضرت معصومه(س) به امام رضا(ع) فراتر از رابطه خواهر و برادری بوده است و این عشق و علاقه را باید در حق‌جویی و حق‌پویی خاندان اهل‌بیت‌علیهم‌السلام - جست و جو کرد.^۱ پس می‌توان گفت: حضرت معصومه(س) نیز برای دفاع از حریم ولایت مشارکت فعال داشتند و با هجرت خویش از مدینه به قم در واقع اعتراض خویش را علیه حکومت وقت اعلام نمودند؛ زیرا با توجه به اوضاع آن زمان، هجرت یکی از مصادیق مشارکت سیاسی فعال محسوب می‌شود که ایشان در زمان امامت امام رضا(ع) اقدام به این کار نموده‌اند که در واقع اقدام ایشان مورد تأیید آن حضرت(ع) بوده است.

نتیجه‌گیری

با استناد به آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر و سیره معصومین(ع) جواز مشارکت سیاسی زنان شیعه امری مسلم است، اما سطح مشارکت سیاسی فعال و محدوده سیاسی زنان با توجه به مقتضیات زمان و مکان و تغییر نفوس و فرهنگ‌ها متفاوت است. به گونه‌ای که اگر جواز مشارکت سیاسی از نظر دین اسلام پذیرفته نشده بود، حضرت زهرا(س) در زمان حضرت علی(ع) به عنوان امام و ولیّ امر مسلمین، به مشارکت سیاسی نمی‌پرداخت. از

1. فرزانه نیکو برش راد، «هجرت حضرت معصومه(س)»، فصلنامه بانوان شیعه، شماره دوم،

طرف دیگر مشارکت سیاسی برای زنان امری نسبی است و با توجه به تغییر فرهنگ‌ها و نفوس یعنی، مقتضیات زمان و مکان ممکن است وظیفه و حتی امری واجب برای آنان محسوب شود.

پیشنهاد

از آنجا که مشارکت سیاسی و همچنین حضور زنان از مباحث مهم و ضروری زنان جامعه ما می‌باشد- تا بتوانند با توجه به دستورات دین اسلام، با تغییر فرهنگ‌ها و مقتضیات زمان و مکان راه و روش صحیح در زندگی را انتخاب نمایند- لازم است زندگی سیاسی حضرت زهرا(س)، حضرت زینب(س) و حضرت معصومه(س) در مقام الگوی زنان جامعه اسلامی از سطوح مختلف مورد بررسی قرار گیرد و مباحثی مانند، رفتار سیاسی، بینش سیاسی، مشارکت سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی و... در زندگی این بزرگواران با دقت تبیین شود.



فهرست منابع

کتاب

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۳.
- ۳- ارسطو، محمد جواد، زن و مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره اول تابستان، ۱۳۷۷.
- ۴- ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۵- اسدی، علی، افکار عمومی و ارتباطات، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۲.
- ۶- بخشی، علی آقا، مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- ۷- سبحانی، جعفر، تاریخ اسلام، چاپ سیزدهم، قم، ۱۳۸۱.
- ۸- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ترجمه، محمد باقر موسوی همدانی، قم، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی.
- ۹- عسگری، سید مرتضی، حدیث کساء در کتب معتبر اهل سنت، تهران، مؤسسه علامه عسگری.
- ۱۰- قاضی زاده، کاظم، ولایت فقیه و حکومت در منظر امام خمینی، تهران، نشر کنگره، ۱۳۷۸.
- ۱۱- قمی، شیخ عباس، بیت الاحزان، ترجمه ولی فاطمی، چاپ اول، تهران، نشر طلا، ۱۳۷۷.
- ۱۲- گروهی از نویسندگان، اجتهاد و زمان و مکان، جلد اول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴.
- ۱۳- مجلسی، علامه محمد باقر، بحار الانوار.
- ۱۴- محمدی اشتهاردی، محمد، زینب (س) فروغ تابان کوثر، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۷۹.
- ۱۵- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان (۱)، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹.
- ۱۶- محمد بن بابویه، عیون اخبار الرضا (ع)، ترجمه حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۷۳، ج ۲.
- ۱۷- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۱.



نشریات

- ۱- نیکو برش راد، فرزانه، «هجرت حضرت فاطمه معصومه (س) به قم»، فصلنامه بانوان شیعه، شماره دوم، سال اول، قم، ۱۳۸۳.
- ۲- سجادی، سید عبدالقیوم، «مبانی فقهی مشارکت سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره هشتم، بهار ۱۳۷۹.
- ۳- «گفتگوی تنی چند از اساتید درباره جامعه مدنی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۷ - ۱۱۸.
- ۴- بستان، حسین، «جنسیت در اجتماع»، جزوه درسی، گروه مطالعات زنان جامعه الزهراء (س)، سال تحصیلی ۸۵ - ۸۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سال اول - شماره دوم - ۱۳۸۷